

تأثیر عوامل خانوادگی و شخصیتی بر فرار دختران از خانه

^۱
دکترروشنک خدابخش
دکتر کامران گنجی
^۳
دکتر رزیتا ذبیحی
^۴
مهرداد نادری فر

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۲۶

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۷/۲۰

صفحات مقاله: ۱۰۷-۱۳۸

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر عوامل خانوادگی و شخصیتی بر فرار دختران از خانه می پردازد. فقر اقتصادی، اعتیاد والدین، خلأ عاطفی، شکاف میان دو نسل، مهاجرت و حاشیه نشینی، دوره بلوغ، پایین بودن سطح نشاط و شادی نوجوانان، ناکامی های تحصیلی، دوستان ناباب و ... از جمله عوامل فرار دختران محسوب می شود. در این مطالعه ۳۰ دختر فراری شهر تهران و ۳۰ دختر عادی مدارس راهنمایی و دبیرستان که به عنوان گروه همتا به صورت تصادفی جهت مطالعه انتخاب شدند. برای بررسی ویژگی های خانوادگی و شخصیتی آزمودنی ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته و فرم ۷۱ سؤالی شخصیت سنج چندوجهی مینه سوتا (MMPI) استفاده شد. تجزیه و تحلیل آماری داده های پژوهش با استفاده از آزمون های مجذور خی و t گروه های مستقل انجام شد.

^۱ استادیار دانشگاه الزهرا "م" گروه روانشناسی، تهران، ایران

rkhodabakhsh@alzahra.ac.ir

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، گروه روان شناسی، ملایر، ایران

^۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، گروه راهنمایی و مشاوره، تهران، ایران

^۴ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، گروه روان شناسی، ملایر، ایران

نتایج به دست آمده نشان داد که بیشترین میزان فرار در سنین ۱۶-۱۸ سالگی اتفاق افتاده است. همچنین بین تمامی متغیرهای جمعیت‌شناختی به جز اعتیاد، و وضعیت دختران در سطح ۵ درصد ارتباط معناداری وجود داشت.

دختران فراری در مقیاس‌های افسردگی (D)، هیپوکندریا (Hs)، انحراف اجتماعی-روانی (Pd)، و پارانوئیا (Pa) در آزمون MMPI خیزک بالاتری داشتند. بدین ترتیب آنها دچار افسردگی و اندوه هستند، احساس گناه و تقصیر می‌کنند و نسبت به جسم و دردهای جسمانی خود اشتغال فکری دارند. اغلب این دختران فراری به خشم و نزاع با دیگران گرایش داشته و در ارتباط خود با افراد صاحب قدرت و مقام مشکل دارند. خشمگین، حق‌به‌جانب، حساس و بدگمان هستند. برای پیشگیری از بروز آسیب‌های روانی-اجتماعی نظیر فرار دختران از خانه، توسعه خدمات روانشناختی و مشاوره ضروری است.

کلید واژه:

دختران فراری تهران، احساس گناه، خشم، افسردگی، پارانوئیا، هیپوکندریا

مقدمه

در ایران فرار^۱ دختران از خانه، به عنوان یکی از مشکلات حاد روز مطرح است. این دختران خیابان‌ها را به عنوان راهی برای فرار از مشکلات انتخاب می‌کنند و به آواره‌های طرد شده جامعه تبدیل شده و برای زنده ماندن، راه‌های مختلفی را تجربه می‌کنند. (گرجین و ناگل، ۲۰۰۰)

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد، در میان دختران فراری میزان کلی آزار دیدگی، شدت آزار، شدت آسیب در خانواده بیش از دختران عادی است. آسیب‌های روانی با فرار دختران دارای رابطه معناداری است به گونه‌ای که نمرات نشانه‌های بدنی، اضطراب و بی‌خوابی، نارسایی کنش‌وری اجتماعی، افسردگی، گرایش به خودکشی، در دختران فراری بیش از دختران عادی است. (بهرامی و حسین زاده، ۱۳۸۵، ۱۵۳)

صوفی تحقیقی بر روی، دختران ۱۶-۲۹ سال مراکز بازپروری تهران انجام داد و نشان داد که این دختران از سلامت روانی بالایی برخوردار نبودند. (صوفی، ۱۳۷۵، ۱۲)

به نظر می‌رسد اختلاف سنی والدین با دخترانشان نقش اساسی در ایجاد تعارض، خشونت، درگیری و نهایتاً فرار دختران دارد. (قلی زاده، ۱۳۸۲، ۱۴)

^۱-runaway

در مطالعه بزرگ پور دختران فراری در مقایسه با دختران عادی افسردگی بالاتر و از عزت نفس و سلامت عمومی پایین تری برخوردار بودند. (بزرگ پور، ۱۳۸۲، ۲۰)

مطالعه حسنی و رحمانیان نیز حاکی از بهداشت روانی نامطلوب دختران فراری نسبت به دختران عادی بوده است. به این صورت که در چهار مؤلفه نشانه های جسمانی، اضطراب و بی خوابی، افسردگی و اختلال در کارکردهای اجتماعی دختران فراری وضعیت نامطلوب تری نسبت به دختران عادی داشتند. (رحمانیان و حسنی، ۱۳۸۲، ۱۵)

سالانه تعدادی از کودکان و نوجوانان از خانه های خود فرار می کنند (رابرتسون، ۱۹۹۸؛ جامیسون، ۲۰۰۳؛ بل و لدوارد، ۲۰۰۲). آمار دقیقی در مورد دختران فراری وجود ندارد. پلیس روزانه ۹۰ نفر از جوانان فراری را که قربانی تجاوز، قتل و... شده اند دستگیر می کند. اکثر این جوانان در ترمینال ها، ایستگاه های راه آهن، پارک و... بسر می برند. (سولینو، ۲۰۰۰)

گستره سنی افراد فراری بین ۱۲ تا ۱۹ سال است. حدود ۹۰ درصد آنها مرتکب جرمی نشده اند، حدود ۲ درصد از آنها معتاد به مواد مخدر هستند و ۱۰ درصد آنها خود معرف می باشند. بیشتر آنها یعنی حدود ۹۰ درصد، در خیابان ها و ترمینال ها دستگیر شده اند. (گرچین، ۲۰۰۰) مسئله مهم در این فرآیند این است

که یک نوجوان فراری، کسی نیست که شب هنگام ناگهانی از منزل خارج می‌شود تا با دوستانش همراهی کند. در فرار، فرد از خانه خارج می‌شود تا دیگر بازنگردد. فرار این فرد می‌تواند کوتاه، مقطعی و یا دائمی و مستمر باشد (کانر، ۲۰۰۱).

تا زمانی که این افراد در خانه دوستان و آشنایان ساکن شوند خطر بسیار عمیق نیست. اما آن‌گاه که خیابان را به عنوان خانه خود انتخاب می‌کنند، موضوع وارد فاز پیچیده و خطرناک می‌شود. چون ۷۵ درصد این افراد در مدت ۲ تا ۳ هفته به دزدی، مواد مخدر یا رفتارهای نا بهنجار روی می‌آورند (لین، ۲۰۰۴؛ دیمن، دولان، پلیتر و رید، ۱۹۹۴). کاویلا (۲۰۰۱) عوامل موثر در فرار را در سه طبقه مهم: خانوادگی، مسائل مدرسه و مسائل شخصی طبقه‌بندی کرده است. مسائل خانوادگی عبارت‌اند از: سوءاستفاده هیجانی، جنسی و جسمی^۱، تعارض بین والدین، مشکل‌های زیاد بین قوانین و نظم، درگیری و مشکل‌هایی با همسیرها و اعتیاد والدین. هنگامی که کودکان و نوجوانان نتوانند با افراد خانواده رابطه دوستی برقرار کنند یا با شرایط خانواده سازگار شوند، ممکن است تنها راه را در فرار از خانه جستجو کنند. فرار از خانه ممکن است به‌عنوان تظاهر رفتاری و آسیب روانی فرد محسوب شود.

¹ -affective, sexual and physical abuse

فرار از خانه، معمولاً به دنبال یک دوره طولانی تعارض‌های شدید خانوادگی رخ می‌دهد. اکثر فراری‌ها مشکل‌های شدیدی را در خانه تجربه کرده‌اند، اما آنهایی که بیشتر از یک بار از خانه فرار کرده‌اند، شدیدترین مشکل‌ها را داشته‌اند (اولسون، پورتنر و لابی، ۱۹۸۵). تقریباً در یک چهارم افراد، مشکل‌های مربوط به مدرسه در فرار نقش دارد که معمولاً با واکنش والدین آنها در ارتباط است. آنها گزارش می‌کنند که در مدرسه آزار می‌بینند، به مدرسه علاقه ندارند و در آن احساس تنهایی می‌کنند و معلمان با آنها رفتار بدی دارند (کاوایلا، ۲۰۰۱).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند فقر اقتصادی، اعتیاد والدین، خلاء عاطفی، شکاف میان دو نسل^۱، مهاجرت و اسکان غیررسمی (حاشیه نشینی)، مرحله بلوغ و نوجوانی، پایین بوده سطح نشاط و شادی نوجوانان و جوانان، عدم موفقیت تحصیلی، افت تحصیلی، دوستان ناباب، برخورد قهرآمیز والدین با موضوع ارتباط با جنس مخالف، تهدید به ازدواج اجباری، تشنج و اختلال‌های خانوادگی، دوستان و محیط تحصیلی، تعرض جنسی و کودک‌آزاری، افراط و تفریط در مذهب، نظارت و کنترل بیش از حد یا کمتر از حد فرزندان توسط والدین، رشد بی‌رویه جمعیت، مهاجرت از روستا به شهر، جنگ و اختلال‌های روانی^۲ از جمله

¹ -generation gap

² -psychological disorder

علل فرار دختران از خانه است (مقیمی فام و سقزاده، ۱۳۸۲؛ رضایی ۱۳۸۲؛ حیدری، ۱۳۸۳؛ صادق پور، ۱۳۸۴؛ غریبی، ۱۳۸۶؛ نوابخش و قاید محمدی، ۱۳۸۶). یافته‌ها نشان می‌دهند که ویژگی‌های نوروتیک و اختلال‌های روانی، به ویژه افسردگی و اختلال شخصیت^۱ با فرار ارتباط دارد (سینگ، ۱۹۸۴؛ ماکسول، ۱۹۹۲؛ روترام، ۱۹۹۳). وجود قرائنی مبنی بر عصیانگری، تکانشگری^۲، بی‌ثباتی، نابالغی، احتمال وجود یک جای پای قوی را در زمینه خصوصیات شخصیتی این افراد، مطرح می‌کند. در عین حال، پژوهش‌های مختلف بر الگوهای خانوادگی، خانواده‌های از هم پاشیده، طرد و نفی والدین و انضباط غلط تأکید می‌کنند (احدی و لطفی‌کاشانی، ۱۳۸۶).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که میزان عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری نسبت به دختران غیرفراری در سطح بالاتری است. بررسی‌هایی که در مورد دختران فراری انجام شده، نشان می‌دهد که این افراد از منابع حمایتی و رویارویی کمتری برخوردارند و در مقابل رویدادهای فشارزا آسیب‌پذیرتر هستند (معظمی، ۱۳۸۰). شیوه‌ای که دختران فراری، برای مواجهه با مشکل‌های خود بکار می‌برند بیشتر

^۱ -personality disorder

^۲ -impulsivity

شیوه‌های ناکارآمد هیجان‌مدار است و حساسیت هیجانی و اضطراب، از ویژگی‌های بارز شخصیتی آنهاست (بازیاری میمندی ۱۳۸۱).

یکی از علل عمده که در بسیاری از پژوهش‌ها به عنوان انگیزه اصلی فرار نوجوانان از خانه مطرح شده آزاردیدگی در محیط خانه است (تایلر و کاوس، ۲۰۰۲؛ تایلر، هویت، وایتیک، ۲۰۰۰). نرخ بالای آزارهای جسمانی، جنسی، عاطفی و بی‌توجهی و طرد در خانواده دختران فراری، فرار را به عنوان راه‌حلی برای پایان بخشیدن به این اغتشاش و ناآرامی برای نوجوان مطرح می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۷۴؛ تایلر، کاوس، وایتیک، ۲۰۰۴). پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که مشکلات سلامت روانی، خانواده و نیز آزار جسمی و جنسی در میان نوجوانان فراری شایع است (تایلر، کاوس، وایتیک، ۲۰۰۴). بدین ترتیب، فرار به عنوان واکنشی به تعارضات محیط خانواده و نوعی فریاد کمک‌طلبی^۱ در نظر گرفته می‌شود (شارلین، مور-باراک، ۱۹۹۲).

با توجه به طیف گسترده تجربه‌های نامطلوب نوجوانان فراری از قبیل آزاردیدگی، تعارض‌های خانوادگی، سوءمصرف مواد و الکل (اسلسنیک، مایرز، مدا، و سیگلکن، ۲۰۰۰)، بزهکاری (یودر، وایتیک، و هویت، ۲۰۰۳)، روابط

^۱ -help-seeking

جنسی متعدد (آنت، فدرمان، بیلی، رینگ والت و هوبارت، ۱۹۹۹)، پژوهش‌های چندی به بررسی عوامل مختلف سلامت روانی در این دسته از نوجوانان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از نرخ بالای اضطراب، افسردگی (تامپسون، کاست و پولیو، ۲۰۰۳؛ مک لین، امبری و کاوس، ۱۹۹۹)، پرخاشگری (مک لین، امبری و کاوس، ۱۹۹۹) و رفتارهای گسسته ((تایلر، کاوس، وایتیک، ۲۰۰۴) در این نوجوانان است. از آنجایی که نوجوانان فراری نرخ بالایی از انواع آزاردیدگی را در محیط خانه تجربه کرده‌اند، در معرض انواع آسیب‌هایی هستند که در پی آزاردیدگی رخ می‌دهند. انزوای اجتماعی (شیلدز و سیچتی، ۲۰۰۱)، ضعف روابط صمیمانه در بزرگسالی (کلن و ویدوم، ۲۰۰۴) و ضعف مهارت‌های اجتماعی (لوندوسکی، اوکان و پارکر، ۱۹۹۵) از جمله این آسیب‌ها هستند.

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی موثر بر فرار دختران از خانه می‌باشد. از این رو، ویژگی‌های خانوادگی و شخصیتی یک گروه از دختران فراری با گروهی دیگر از دختران غیرفراری که تا سرحد امکان با آنها هم‌تاسازی شده بودند مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت.

روش

روش این پژوهش از نوع پس‌رویدادی (علی - مقایسه‌ای) و شیوه گردآوری اطلاعات میدانی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر تهران هستند. از این جامعه تعداد ۳۰ دختر فراری که حداقل دو نوبت از خانه فرار کرده بودند با مراجعه به خانه ریحانه تهران به صورت نمونه در دسترس انتخاب شدند. سپس ۳۰ نفر دختر عادی با نمونه‌گیری خوشه‌ای از میان مدرسه‌های راهنمایی و دبیرستان تهران به صورت تصادفی به عنوان گروه هم‌تا انتخاب و مورد مقایسه قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش

برای گردآوری اطلاعات جمعیت‌شناختی از یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته و برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی از پرسشنامه شخصیت‌سنج چندوجهی مینه‌سوتا (MMPI)^۱ فرم ۷۱ سوالی استفاده شد. برای تهیه پرسشنامه پژوهشگر

^۱ -Minnesota Multiple Personality Inventory

ساخته ابتدا با مرور ادبیات پژوهشی نسبت به تهیه پیش‌نویس اولیه اقدام شد. سپس روایی صوری آن از سوی چند پژوهشگر و صاحب نظر مورد تأیید قرار گرفت و طی یک بررسی مقدماتی بر روی ۳۰ نفر (۱۵ دختر فراری و ۱۵ دختر عادی) اجرا شد. در خاتمه ضمن اصلاح و پالایش سؤال‌ها، فرم نهایی پرسشنامه مشتمل بر ۳۸ سوال تهیه و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ^۱ معادل ۰/۸۳ محاسبه شد. شایان ذکر است که ۳۰ نفر آزمودنی که در بررسی مقدماتی این پرسشنامه را تکمیل کردند، در تجزیه و تحلیل نهایی از گروه نمونه مورد بررسی کنار گذاشته شدند.

پرسشنامه شخصیت‌سنج چندوجهی مینه سوتا (MMPI) که در طول سالیان گذشته در پژوهش‌های فراوانی مورد استفاده قرار گرفته، دارای سه میزان مربوط به اعتبار (K, F, L) و هشت میزان بالینی ($M_a, S_t, P_t, P_a, P_d, H_v, D, H_s$) است.

روش اجرا

برای انجام پژوهش، پس از کسب مجوزهای لازم نسبت به گردآوری اطلاعات اقدام شد. بدین منظور ابتدا به برقراری ارتباط مناسب با آزمودنی‌ها و اعتمادسازی پرداخته و ایشان را برای پاسخگویی صادقانه تشویق کردیم. برای

^۱ -Cronbach

رعایت اصول اخلاقی پژوهش، مشخصات فردی تمامی آزمودنی‌ها محرمانه نگه داشته شد، اطلاعات لازم در مورد هدف پژوهش به آنان ارائه شد و در صورت تمایل برای دریافت خدمات روان‌شناختی و مشاوره به مراکز معتبر ارجاع داده شدند.

برای تحلیل داده‌های پژوهش، از آزمون‌های مجذور خی (χ^2) و t گروه‌های مستقل استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها

بررسی‌های توصیفی دختران فراری نشان می‌دهد که بیشترین میزان فرار در سنین ۱۶ تا ۱۸ سالگی (۴۷ درصد) و کمترین آنها در سنین ۱۴-۱۵ سالگی (۱۴ درصد) اتفاق افتاده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۶۶/۶۷ درصد از دختران فراری مورد بررسی، تحصیلات ابتدایی یا کمتر داشته‌اند. تحصیلات والدین ۷۳/۳۳ درصد از آنها نیز ابتدایی یا کمتر بوده و ۴۰ درصد از این تعداد نیز بی‌سواد بوده‌اند. ۴۳/۳۳ درصد از آزمودنی‌های فراری فرزند اول، ۳۳/۳۳ درصد فرزند دوم، ۲۰ درصد فرزند سوم، ۶/۶۷ درصد نیز فرزندان چهارم و بالاتر خانواده بودند. ۲۳/۳۳ درصد در فصل بهار، ۳۶/۶۷ درصد در فصل تابستان، ۲۶/۶۷

درصد در پاییز و ۱۳/۳۳ درصد در زمستان به دنیا آمده بودند. والدین ۶۶/۶۷ درصد از آزمودنی‌های فراری یا از یکدیگر جدا شده و یا دوباره ازدواج کرده بودند. فقط ۱۰ درصد از دختران فراری با والدین خود زندگی می‌کردند و باقی‌مانده با پدر یا مادر (۲۶/۶۷)، نامادری (۴۰ درصد)، ناپدری (۱۶/۶۷ درصد) و سایرین زندگی می‌کردند. تعداد قابل توجهی از آزمودنی‌های فراری (۷۳/۳۳ درصد) سابقه مدرسه‌گریزی متوسط تا زیاد داشتند.

نیمی از این دختران دارای ۳ تا ۴ همشیر (۵۰ درصد) و ۱۶/۶۷ درصد دارای ۵ همشیر یا بیشتر بودند. بیش از نیمی از آزمودنی‌ها میزان نظارت و کنترل والدین خود را بسیار زیاد (۳۳/۳۳ درصد) یا بسیار کم (۳۳/۳۳) می‌دانستند. تعداد قابل توجهی از دختران فراری دارای پدر و مادر یا والدین معتاد بوده‌اند (۶۶/۶۷ درصد). محل سکونت ۴۳/۳۳ درصد از آزمودنی‌های فراری در مرکز شهر و باقیمانده به تعداد نسبتاً مساوی در بالا یا پایین شهر قرار داشت. اعتقادات مذهبی دختران فراری در ۷۶/۶۷ درصد از متوسط تا زیاد اعلام شد. ۶۶/۶۷ درصد از آزمودنی‌ها به طور متوسط یا زیاد مورد تنبیه بدنی قرار گرفته بودند. نیمی از آنها (۵۰ درصد) دارای مشکلات تحصیلی زیاد بوده‌اند. حدود ۴۶/۶۷ درصد از دختران فراری با جنس مخالف خود ارتباط داشته‌اند و ۵۶/۶۷ درصد از آنها ارتباط خود با والدینشان را بد توصیف کرده‌اند. فراوانی پاسخ‌های دختران

فراری و عادی به پرسشنامه پژوهشگر ساخته در زمینه اطلاعات فردی و خانوادگی در جدول (۱) مورد مقایسه قرار گرفته است.

جدول ۱: مقایسه ویژگی‌های فردی و خانوادگی دختران فراری و عادی

P	χ^2	df	عادی	فراری	متغیر مورد بررسی	
۰/۰۵	۵۳/۹۵	۹	۰ ۱۵ ۱۰ ۵	۲ ۱۸ ۸ ۲	بی سواد ابتدایی راهنمایی دیپستان	تحصیلات نمونه
۰/۰۵	۳۹/۳۳	۹	۵ ۱۰ ۹ ۶	۱۲ ۱۰ ۶ ۲	بی سواد ابتدایی راهنمایی دیپستان	تحصیلات والدین
۰/۰۵	۴۵/۶۵	۹	۸ ۱۱ ۸ ۳	۱۳ ۹ ۶ ۲	اول دوم سوم چهارم و بالاتر	ترتیب تولد
۰/۰۵	۵۷/۲۶	۹	۹ ۱۰ ۵ ۶	۷ ۱۱ ۸ ۴	بهار تابستان پائیز زمستان	فصل تولد
۰/۰۵	۲۶/۰۵	۹	۲ ۴ ۵ ۱۹	۱۲ ۸ ۹ ۱	جدایی ازدواج مجدد فوت سایر	وضعیت والدین

۰/۰۵	۴۶/۳۸	۸	۱۸ ۱۰ - - ۲	۳ ۸ ۱۲ ۸ ۲	با والدین با پدر یا مادر با نامادری با ناپدری سایر	وضعیت زندگی
۰/۰۵	۳۰/۴۶	۶	- ۴ ۸ ۱۵ ۳	۱۳ ۹ ۸ - -	زیاد متوسط کم بسیار کم اصلا	مدرسه‌گریزی
P	χ^2	df	عادی	فراری	متغیر مورد بررسی	
۰/۰۵	۲۶/۱۶	۶	۱۶ ۱۲ ۲	۵ ۱۵ ۵	۱ تا ۲ نفر ۳ تا ۴ نفر ۵ نفر و بیشتر	تعداد همشیران
۰/۰۵	۴۳/۷۵	۱۶	۸ ۳ ۱۲ ۴	۱۰ ۵ ۲ ۳	بسیار زیاد زیاد متوسط کم	نظارت و کنترل والدین

			۳	۱۰	بسیار کم	
۰/۱۲۴	۵/۷۵	۳	۳ - - ۲۷	۱۱ ۵ ۴ ۱۰	پدر معتاد مادر معتاد والدین معتاد عدم اعتیاد	اعتیاد
۰/۰۵	۳۸/۴۴	۴	۱۱ ۱۰ ۹	۷ ۱۳ ۱۰	بالای شهر مرکز شهر پایین شهر	محل سکونت
۰/۰۵	۸۴/۹۶	۱۶	۷ ۸ ۹ ۱ ۵	۸ ۵ ۱۰ ۲ ۵	بسیار زیاد زیاد متوسط کم بسیار کم	اعتقادات مذهبی

P	χ^2	df	متغیر مورد بررسی			
			عادی	فراری		
۰/۰۵	۳۲/۷۴	۶	۲	۱۳	زیاد	تنبیه بدنی
			۴	۱۰	متوسط	
			۱۸	۷	کم	
			۶	-	اصلاً	
۰/۰۵	۱۷/۳۶	۴	۳	۱۵	زیاد	مشکلات تحصیلی
			۸	۱۰	متوسط	
			۱۹	۵	کم	
۰/۰۵	۲۰/۳۵	۴	۸	۱۴	بلی	ارتباط با جنس مخالف
			۱۲	۱۰	کم	
			۱۰	۶	خیر	
۰/۰۵	۲۲/۹۴	۴	۱۵	۳	خوب	ارتباط با والدین
			۲۳	۱۰	معمولی	
			۲	۱۷	بد	

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، بین تمامی متغیرهای مورد بررسی به جز اعتیاد، ارتباط معناداری وجود دارد. از این گذشته ویژگی‌های

روانی آزمودنیهای دو گروه فراری و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیت‌سنج چندوجهی مینه سوتا MMPI مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است. با توجه به نیمرخ روانی^۱ (شکل ۱)، خطوط مقطع (بالایی) نشانگر آزمودنی‌های فراری و خطوط پیوسته (پایینی) نشانگر وضعیت آزمودنی‌های عادی است. در نگاه کلی بالاترین خیزک‌ها در آزمودنی‌های فراری مشهود می‌باشد. مقیاس D (افسردگی) با میانگین ۷۸/۱۷ ناشی از یک اندوه کلی از زندگی است. این اندوه معمولاً از نظر موقعیتی به صورت خاص بوده و یا ماهیت موقتی دارد. همچنین با توجه به بالابودن این خیزک، ملال و افسردگی مشکل اصلی است و نه تنها شخص احساس خوبی ندارد بلکه احساس گناه و تقصیر می‌کند.

^۱ - psychological profile

جدول ۲: مقایسه میانگین نمره‌های آزمودنی‌های در زیر مقیاس‌های MMPI

t	انحراف معیار	میانگین	آزمودنی‌ها	مقیاس‌ها
۴۲/۸۹*	۱۱/۸۵	۷۴/۶۸ ۲/۱۶	فراری	هیپوکندریا
	۱۳/۹۴	۵۷/۹۵ ۲/۵۵	عادی	
۴۹/۰۸*	۵/۵۹	۷۸/۱۷ ۱/۰۳	فراری	افسردگی
	۷/۰۱۵	۶۵/۹ ۱/۲۸	عادی	
۵/۷۲	۱۲/۳۲	۵۹/۶۴ ۲/۲۵	فراری	هیستری
	۱۵/۹۲	۵۵/۸۷ ۲/۹۱	عادی	
۶۵/۶۰*	۱۰/۲۸	۷۵/۵۷ ۱/۸۸	فراری	انحراف اجتماعی - روانی
	۱۱/۶۰	۶۰/۴۸ ۲/۱۱	عادی	
۲۵/۰۵*	۱۰/۲۹	۷۵/۵۷ ۱/۸۸	فراری	پارانویا
	۱۴/۹۵	۵۴/۲۷ ۲/۷۳	عادی	
۵/۵۱	۱۳/۰۲	۵۶/۶۰ ۲/۳۸	فراری	خستگی روانی
	۱۵/۶۱	۵۴/۰۱	عادی	

		۲/۸۵	
۷/۳۶	فراری	۶۱/۵۲ ۳/۳۶	۱۸/۳۹
	عادی	۵۱/۸۷ ۲/۰۵	۱۱/۱۹
۱۴/۹۶	فراری	۵۵/۱۷ ۲/۸۹	۱۵/۸۶
	عادی	۴۲/۶ ۲/۰۵	۱۰/۹۹
	اسکیزو فرنیا		
	مانیا		

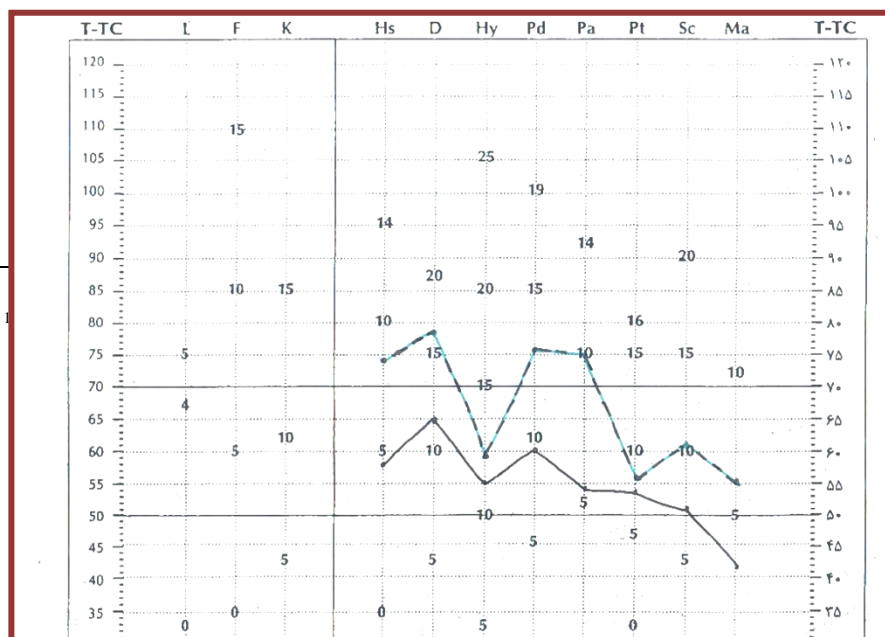
* p<0/05

مقیاس HS (هیپوکندریا)^۱ در آزمودنی‌های فراری ۷۴/۶۸ است. آزمودنی‌ها برای فرار از موقعیت‌های هیجانی به شکوه‌های بدنی گرایش دارند و از این شکوه‌ها برای تحت تاثیر قرار دادن دیگران استفاده می‌کنند. در این مقیاس گرایش افراد به شکست دادن دیگران، درخواست کمک و سپس کارشکنی در مورد کمک‌های ارائه شده، بیشتر می‌شود. میانگین نمره آزمودنی‌های فراری در مقیاس Pd (انحراف اجتماعی-روانی)^۲ ۷۵/۵۷ است. کسانی که نمره‌هایشان در این سطح است، به خشم و نزاع با دیگران گرایش دارند، و در ارتباط خود با افراد صاحب مقام و قدرت مشکل دارند. سرانجام نمره میانگین ۷۵/۵۷

^۱ -hypochondria

^۲ -socio-psychological deviation

آزمودنی‌های فراری در مقیاس Pa (پارانویا) نشانگر حساسیت و بدگمانی این دختران است. کسانی که میانگین نمره‌هایشان در این دامنه قرار دارد تصور می‌کند که دیگران در پی آنها هستند و معمولاً خشمگین و حق به جانب می‌باشند. مقیاس‌های HS، D، Pd، Pa، کد ۱-۲-۴-۵ بالاترین خیزک‌ها را دارند. در مقیاس سه‌عنصری ۳-۱-۲ معمولاً افراد مضطرب و افسرده و دارای مشکلات بدنی بلندمدت و مشکلات معدی-روده‌ای هستند. هیجان‌های انباشته دارند، اغلب خسته و عصبی هستند و درباره خویش آکنده از تردید می‌باشند. مشکلات آنها معمولاً پایدار بوده و اغلب به صورت افرادی ناپخته و ناپسند توصیف می‌شوند. کدهای ۵-۴ افرادی خصومت‌دار و بدگمان هستند که اهل شکایت و دعوا می‌باشند. این دو مقیاس یکدیگر را تقویت می‌کنند این‌گونه افراد در کنترل تکانه‌های خود ضعیف بوده، پر جنجال هستند و به خشونت گرایش دارند. این افراد احتمالاً با جنس مخالف به طور جدی مشکل دارند.



نمودار ۱: نیمرخ روانی دختران فراری و عادی

برای مثال ترجیح می‌دهند طلاق گرفته یا طلاق دهند. زنانی که دارای این کد خیزک بالا هستند، معمولاً در معرض سوء رفتار جنسی نیز می‌باشند. معمولاً زنان ناسازگار، گم‌گشته، متنفر، گریزان و پر طفره جزء این گروه کدها قرار دارند. در این الگو یعنی کد ۵-۴-۲- خصومت و افسردگی و احساس گناه وجود دارد که به دلیل آزرده‌گی از احساس گناه، خشم نیز ظاهر می‌شود. زنانی که چنین الگویی دارند معمولاً افرادی برون‌ریز، افسرده، انتقادگر و مردد هستند. سایر مقیاس‌های بالینی در آزمودنی‌های فراری، وضعیت عادی داشته و خیزک مشهودی ملاحظه نمی‌شود. آزمودنی‌های عادی در مقیاس‌های بالینی وضعیتی مشابه اکثریت مردم دارند و در آن‌ها خیزک‌های خاصی مشاهده نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اکثر دختران فراری کم سواد یا بی‌سواد بوده و والدین آنها نیز از تحصیلات اندکی برخوردار و اغلب بی‌سواد هستند، بیشتر آنها جزء فرزندان اول و دوم خانواده می‌باشند، اغلب در بهار یا تابستان به دنیا آمده‌اند، والدین ایشان از یکدیگر جدا شده و یا دوباره ازدواج کرده‌اند، در بیشتر موارد فقط با یکی از والدین یا ناپدری و نامادری زندگی می‌کنند، در اغلب اوقات مدرسه‌گزینی داشته‌اند، تعداد همشیران آنها سه نفر و بیشتر بوده است. میزان نظارت و کنترل والدین خود را بسیار زیاد یا بسیار اندک دانسته، پدر و مادر یا هر دو والد آنها اعتیاد داشته‌اند، اعتقادات مذهبی آنها در دامنه‌ای از متوسط تا بسیار زیاد بوده، اغلب مورد تنبیه بدنی قرار گرفته‌اند، مشکلات تحصیلی زیادی داشته‌اند، با جنس مخالف خود ارتباط داشته و سرانجام نوع ارتباط آنها با والدینشان اغلب بد بوده است. این یافته‌ها با نتایج بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی (کاویلا؛ ۲۰۰۱؛ اولسون، پورتنر، و لابی، ۱۹۸۵؛ مقیمی فام و سقزاده، ۱۳۸۲؛ رضایی، ۱۳۸۲؛ حیدری، ۱۳۸۳؛ صادق پور، ۱۳۸۴؛ غریبی، ۱۳۸۶؛ نوا بخش و قاید محمدی، ۱۳۸۶؛ کی نیا، ۱۳۷۴؛ تایلر و کاوس،

۲۰۰۲؛ تایلر، هویت، وایتیک، ۲۰۰۰؛ تایلر، کاوس، وایتیک، ۲۰۰۴؛ شارلین، مور-
باراک، ۲۰۰۴؛ اسلسنیک، مایرز، مدا، سیگلکن، ۲۰۰۰) همخوانی دارد.

همچنین بررسی ویژگی‌های شخصیتی دختران فراری و مقایسه آن با دختران
عادی نشان داد که دختران فراری در مقیاس‌های D (افسردگی)، HS
(هیپوکندریا)، Pd (انحراف اجتماعی-روانی) و Pa (پارانویا) یعنی کدهای ۱-۲
- ۴ و ۵ خیزک‌های بالاتری دارند. این بدان معناست که آزمودنی‌های فراری
دچار افسردگی و اندوه بوده، احساس گناه و تقصیر دارند و نسبت به جسم و
دردهای جسمی خود اشتغال فکری دارند. اغلب این دختران فراری گرایش به
خشم و نزاع با دیگران داشته و در ارتباط خود با افراد صاحب قدرت و مقام
مشکل دارند. خشمگین، حق به جانب، حساس و بد گمان هستند. این الگو نیز
با یافته‌های سایر پژوهش‌ها همسو می‌باشد. (سینگ، ۱۹۸۴؛ ماکسول، ۱۹۹۲؛
روترا، ۱۹۹۳؛ احدی و لطفی کاشانی، ۱۳۸۶؛ معظمی، ۱۳۸۰؛ بازیاری میمندی،
۱۳۸۱؛ تامپسون، کاست و پولیو، ۲۰۰۳؛ مک لین، امبری و کاوس، ۱۹۹۹؛ تایلر،
کاوس، وایتیک، ۲۰۰۴).

بررسی‌ها نشان داده است که دختران فراری از نظر فردی، اختلال منش
دارند، حساس و زود رنج هستند، عقب‌ماندگی درسی دارند و برای امور غیر
درسی ارزش بیشتری قائل می‌باشند (قائمی، ۱۳۷۳). شخصیت تلقین‌پذیر داشته

و یا به انحراف‌ها و اختلال‌ها و بیماری‌های روانی مبتلا هستند و به علت عدم تکوین شخصیت، ثبات و انضباط اجتماعی ندارند. در بین آنها افراد باهوش نیز دیده می‌شود. دچار رنج عصبی هستند، بی‌خوابی دارند، احساس گناه آنها را آزار می‌دهد. ممکن است تحت تاثیر محیط خانوادگی و تربیتی، برای تفریح و خوش گذرانی و یا تقلید از فیلم‌ها و ماجراجویی اقدام به فرار کنند (دانش، ۱۳۷۴).

از نظر خانوادگی به علت نفاق، ناسازگاری، اعتیاد پدر و مادر، تشنج در محیط خانوادگی، طرد و تحقیر، کمبود محبت، از هم‌گسیختگی خانواده (طلاق، جدایی، فوت) و عدم مراقبت و بی‌توجهی والدین و سرپرستان نسبت به امور تحصیلی به‌ویژه در خانواده‌های پرجمعیت، ترس از تنبیه در صورت عدم موفقیت در تحصیل، اقدام به فرار از منزل و ترک تحصیل می‌کنند (دانش، ۱۳۷۴).

از نظر اجتماعی اغلب در منطقه و محیطی زندگی کرده‌اند که مناسب داشتن حیات شرافتمندانه نبوده است. در محیط اجتماعی‌شان رفتار ضداجتماعی، آلودگی و اعتیاد وجود داشته است. با تیپ بی‌بندوبار و پرخاشگر مواجه بوده‌اند، در زندگی‌شان بدآموزی بسیار بوده است، مشکل انضباطی و اخلاقی داشته‌اند، منطقه زندگی‌شان منطقه شکست، خواری و سرافکنندگی بوده که این امر خود زمینه را برای محدود ساختن فرد و حوزه معاشرتی او فراهم کرده است (قائم،

۱۳۷۳). از آنجایی که نوجوانان فراری نرخ بالایی از انواع آزاردیدگی را در محیط خانه تجربه کرده‌اند، در معرض انواع آسیب‌هایی هستند که در پی آزاردیدگی رخ می‌دهند. انزوای اجتماعی (شیلدز و سیچتی، ۲۰۰۱)، ضعف روابط صمیمانه در بزرگسالی (کلمن و ویدوم، ۲۰۰۴) و ضعف مهارت‌های اجتماعی (لوندوسکی، اوکان و پارکر، ۱۹۹۵) از جمله این آسیب‌ها هستند.

یافته‌های پژوهش حاضر برای موقعیت‌های اجتماعی، خانوادگی و آموزشی دارای محتوای کاربردی است و بیانگر آن است که محیط‌های آموزشی، خانوادگی و اجتماعی برای پیشگیری از بروز آسیب‌های روانی- اجتماعی و از جمله پدیده شوم فرار دختران از خانه و کاهش نیازمند خدمات روان‌شناختی، مشاوره و راهنمایی هستند. از سوی دیگر توانمندسازی خانواده‌ها و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تاثیرگذار در این زمینه و درمان ضروری است. این موضوع در برنامه‌ریزی، تنظیم بودجه و خط مشی‌های اجتماعی، آموزشی و درمانی می‌تواند سودمند باشد.

سپاسگزاری

از مسئولان خانه ریحانه و همچنین آموزش و پرورش شهر تهران، به ویژه
آزمودنی‌هایی که صمیمانه در انجام این پژوهش همکاری کردند بسیار
سپاسگزاریم.

منابع

- ۱- احدی، حسن؛ لطفی‌کاشانی، فرح. (۱۳۸۶)، ویژگی‌های شخصیتی دختران فراری و عادی، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال اول، شماره ۴، ص ۲۳-۱۵.
- ۲- بازیاری میمندی، مهتاب. (۱۳۸۱)، بررسی ویژگی‌های شخصیتی و میزان تنیدگی در دختران فراری و عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳- بزرگ پور، ف (۱۳۸۲)، مقایسه عزت نفس، افسردگی و سلامت عمومی دختران فراری و دختران عادی، اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راه کارهای پیش گیرانه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان
- ۴- بهرامی و حسین زاده. (۱۳۸۵)، مقایسه آزاردیدگی، سلامت روانی و جهت گیری مذهبی در دختران فراری و عادی شهر تهران، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال ۳۷، شماره ۱.
- ۵- حیدری، شیمیا، (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر آموزش تنش زدایی تدریجی و مهارت‌های حل مسئله بر کاهش تمایل به فرار دختران در معرض فرار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه الزهراء.
- ۶- دانش، تاج زمان. (۱۳۷۴)، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، تهران، سازمان انتشارات کیهان.
- ۷- رحمانیان، م. حسنی (۱۳۸۲). مقایسه میزان هیجان طلبی و خطرپذیری در دختران فراری و عادی، اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راه کارهای پیش گیرانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- ۸- رضایی، فریبا. (۱۳۸۲)، بررسی علل و عوامل فرهنگی و اجتماعی گریز دختران از منزل در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تهران.

۹- صادق پور، منصوره. (۱۳۸۴)، **علل فرار دختران**، پایان‌نامه کارشناسی چاپ نشده، شورای عالی حوزه علمیه قم.

۱۰- صوفی، ج. (۱۳۷۵). **بررسی نیمرخ روانی دختران بی سرپرست در مراکز بازپروری بهزیستی استان تهران و دختران تحت سرپرستی والدین خود با تست MMPI**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

۱۱- غریبی، حسن. (۱۳۸۶)، **عوامل خانوادگی و فرهنگی موثر بر فرار دختران از منزل، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی**، سال اول، شماره ۴، ص ۳۹-۳۳.

۱۲- قائمی، علی. (۱۳۷۳)، **آسیب‌های عوارض اجتماعی، ریشه‌یابی، پیشگیری و درمان**، تهران، شباهنگ.

۱۳- قلی‌زاده، آ. نادى. (۱۳۸۲)، **ویژگی‌های جمعیت شناختی دختران بزه دیده و علل فرار آنها در شهر اصفهان**، اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راه کارهای پیش گیرانه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۱۴- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۴)، **روانشناسی جنایی**، تهران، انتشارات رشد.

۱۵- معظمی، شهلا. (۱۳۸۲)، **فرار دختران چرا**، تهران، نشر گرایش.

۱۶- مقیمی‌فام، پریسا؛ سقزاده، فرهاد. (۱۳۸۲)، **گزارش تحقیقی- توصیفی عملکرد طرح‌های امور آسیب‌دیدگان اجتماعی، در سال‌های ۸۱-۱۳۸۰ بهزیستی آذربایجان شرقی**، معاونت امور اجتماعی.

۱۷- نوایخش، مهرداد؛ قاید محمدی، محمد جواد. (۱۳۸۶)، تأثیر عوامل خانوادگی و روانی بر فرار دختران

از خانه، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال اول، شماره ۴ ص ۶۹-۶۳.

18- Bell, M., X., Ledward, A. (2002). **Young Runaways. The Social Exclusion**

Unit. Retrieved from: [http://social exclusion unit gov.uk/ young](http://social%20exclusion%20unit.gov.uk/young)

[people/runaways.htm](http://social%20exclusion%20unit.gov.uk/young%20people/runaways.htm)

19- Cavilla, A. (2001). **Consultation of young runaways Retrieved** from:

www.cabinetoffice.gov.uk/seu/index.htm

20- Colman, R. A., & Widom, C. S. (2004). Childhood abuse and neglect and

adult intimate relationships: A prospective study.**Child Abuse &**

Neglect.28,1133-1151.

21- Conner, M. U. (2001). **Understanding and Preventing Teenage**

Runaways. Retrieved from:<http://www.crisiscounseling.org>.

22- DeMan ,A, Dolan,D, Pelletier,R., & Reid, C. (1994).Adolescent running

away behavior: Active or passive avoidance. **Journal of Genetic**

Psychology. 155(1): 59_64.

- 23- Ennett, S. T., Federman, E. B., Bailey, S. L., Ringwalt, C. L., & Hubbard, M. L. (1999). HIV risk behaviors associated with homelessness characteristics in youth. *Journal of Adolescent Health*, 25, 344-353.
- 24- Gorgin, A., X., Nagel, R. C. (2000). Half way Houses Try to Help Runaway Girl. *The Iranian: News and Views*, 1-3.
- 25- Jamison, Ross.(2003). **Runaway Juvenile Crime?** The context of juvenile crime arrests. <http://www.cjcj.org/pubs/runaway.html>.
- 26- Lyn, M. (2000). **The lost child from lost child**. EBS. (Emergency Broadcast System). Retrieved from: <http://www.covenanthouse.org/runaways>.
- 27- Levendosky, A. A., Okun, A., & Parker, J. G. (1995). Depression and maltreatment as predictors of social competence and social problem-solving skills in school age children. *Child Abuse and Neglect*, 20, 161-169.
- 28- Maclean, M. G., Embry, L. E., & Cauce, A. M. (1999). Homeless adolescent's paths to separation from family: comparison of family characteristics, psychological adjustment and victimization. *Journal of Community Psychology*, 27, 179-187.

- 29- Maxwell, B. E. (1992). Hostility, depression and self-esteem among troubled and homeless adolescents in crisis. *Journal of Youth and Adolescence*. 21(2): 179-150.
- 30- Olson, D., Porter, S., X., Labee, Y. (1985). *FACES III. Family Social Science*. University of Minnesota.
- 31- Robertson, A. (1998). **If a child threatens to runaway, should parents be concerned Retrieved** from: <http://www.erips.crc.uiuc.edu/upin/pnew/1998/pnew/98f.html>
- 32- Rotheram, B. G. (1993). Suicidal behavior and risk factors among runaway youths. *American Journal of Psychiatry*. 150(1): 103-107.
- 33- Sharlin, S. A., & Mor-Barak, M. (1992). Runaway girls in distress motivation background and personality. *Adolescence*, 27, 387-403.
- 34- Shields, A., & Cicchetti, D. (2001). Parental maltreatment and emotion dysregulation as risk factors for bullying and victimization in middle childhood. *Journal of Clinical Child Psychology*, 30, 349-363.
- 35- Sing, A. (1984). The girls who run away from home. *Child Psychiatry Quarterly*. 17(1-2): 1_8.

- 36- Slesnick, N., Meyers, R. J., Meade, M., & Segelken, D. H. (2000). Bleak and hopeless no more: Engagement of reluctant substance-abusing runaway youth and their families. *Journal of Substance Abuse Treatment*, *19*, 215-222.
- 37- Solino, E. (2000). **Runaway youths a thorn in Iran's chalse side**, *New York Times*.
- 38- Thompson, S. J., Kost, K. A., & Pollio, D. E. (2003). Examining risk factors associated with family reunification for runaway youth: Does ethnicity matter?. *Family Relations*, *vol. 52, Iss.3*; pg. 269-281.
- 39-Tyler, K. A., & Cauce, A. M. (2002). Perpetrators of early physical and sexual abuse among homeless and runaway adolescents. *Child Abuse and Neglect*, *26*, 1261-1272.
- 40- Tyler, K. A., Cauce, A. M., & Whitebeck, L. B. (2004). Family risk factors and prevalence of dissociative symptoms among homeless and runaway youth. *Child Abuse and Neglect*, *28*, 355-366.

41- Tyler, K. A., Hoyt, D. R., & Whitebeck, L. (2000). The effects of early sexual abuse on later sexual victimization among female homeless and runaway youth. *Journal of Interpersonal Violence*, 15, 235-250.

42- Yoder, K. A., Whitebeck, L. B., & Hoyt, D. R. (2003). Gang involvement and membership among homeless and runaway youth. **Youth and Society: Thousand Oaks: vol. 34, Iss. 4; pg. 441-456.**

